

خلاصه‌ای از نشست «دولت و هنر عامه‌پسند» در گفت‌وگو با دکتر عالی‌قلی‌پور



شیرین رستمی

دکتر عالی‌قلی‌پور

با فرهنگ عامه قرار می‌دهم: یکی درس فرهنگ عامه‌ای است که در دوران دانشجویی گذراندم و دیگری آن است که پس از تحصیل دریافتم. مسائل دیگری را هم می‌توان به فرهنگ عامه افزود. مهمترین جلوه‌ی این مسئله با توجه به علاقه‌ی شخصی‌ام به سینما؛ در تئاتر لاله زاری و سینما به وفور یافت می‌شود. برای مثال فیلم‌ها و آهنگ‌هایی بودند که در زمان انقلاب کسی از آنها به عنوان امر نوستالژیک یاد نمی‌کرد و حتی روشنفکران، آن را دون شان خود می‌دانستند ولی پس از گذشت زمان و پا به سن گذاشتن افراد آن آهنگ‌ها را در میان مردم و حتی در اتومبیل هایشان می‌شنیدیم.

این موضوع نشان‌دهنده آن است که همه‌ی باورهای ما در امر عامه‌پسند در زمینه‌های تاریخی گوناگون معانی متفاوتی پیدا می‌کنند. در واقع ما باید به بحث زمینه‌ای و کانتکست موضوع برگردیم و بدانیم امر عامه‌پسند در چه کانتکستی برای ما

با دکتر علی‌پور نویسنده کتاب «پرورش ذوق عامه در عصر پهلوی» نشست آنلاین داشتیم و به نگارش در آوردن خلاصه‌ای از آن ضروری به نظر می‌رسد. فن بیان و ذوق انگیزشی در گفت‌وگو با ایشان در کنار دقت مربوط به مسائل تاریخی به گونه‌ای بود که شنونده را برای طرح سوال‌های گوناگون به وجد می‌آورد. در اینجا نیمه‌ی اول نشست را مدنظر قرار دادیم. صحبت را با ایشان در رابطه با گذشته‌های کوتاه از هنر عامه آغاز کردیم و از ایشان نظر شخصی‌شان را در رابطه با هنر عامه پرسیدیم و خواستیم بدانیم به طور کلی چه چیز را هنر عامه می‌دانند. اینگونه پاسخ ما را دادند:

من اگر بخواهم بگویم چه چیزی مردم‌پسند است و بخواهم نقطه‌ای برای شروع بگذارم با توجه به اینکه همیشه رویکردی تاریخی داشته‌ام و تاریخ مسئله‌ی من بوده است، سعی می‌کنم نگاهی تاریخی به آن داشته باشم. دو نقطه برای ارتباط

اهمیت دارد. امر عامه‌پسند از ما آغاز می‌گردد و موضوعات مهم دوران ما هست و این جو عامه‌پسند مربوط به دورانیست که ما در آن زندگی می‌کنیم.

●● شما نقش دولت و سیاستمداران را در

هنر عامه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عده‌ای هستند که هنر را صرفاً از نگاه جامعه‌شناسی نگاه می‌کنند؛ اینان افرادی هستند فاقد سلیقه یا ذوق. در این رابطه دو دیدگاه وجود دارد: یک دیدگاه که به خود اثر می‌نگرد و دیدگاه دیگر به عوام می‌پردازد و سوال این است که این هنر عامه‌پسند لزوماً در خود اثر هست و یا اینکه نه، در جامعه‌شناسی است و این خود مردم هستند که این اثر را می‌آفرینند؟

مسئله تاریخ‌نگاری هنر ما همین موضوع است. آن کسانی که واسطه‌ی ما در طول تاریخ با هنر عامه‌پسند بودند اطلاعات کمی را در این باره در اختیار ما گذاشتند و بیشتر در ارتباط با هنرهای حکومتی بوده است که البته این موضوع پس از مشروطه روند رو به بهبودی را طی کرده است. البته ((رودی مته)) کتابی درباره‌ی تفریحات ایرانی در عصر صفوی نوشته است که بر خلاف عنوانش کم‌تر به جزئیات تفریح‌های مردم می‌پردازد و بیشتر در رابطه با عادات پادشاهی آن زمان سخن گفته است.

از زمان مشروطه واسطه‌هایی پیدا کردیم که می‌توانیم از طریق آن‌ها مردم آن دوران را بهتر بشناسیم و این واسطه‌ها افرادی هستند روشنفکر همانند: اعتماد السلطنه در دربار ناصری. برای مثال از نوشته‌های اعتماد السلطنه متوجه می‌شویم در

آن زمان محرم چه فضای گشوده‌ای را ایجاد کرده است و در همان کتاب می‌گوید: محرم آمد و عید زنان است و این موضوع خبر از آزادی حضور زنان در جامعه به نسبت روزها و ایام دیگر سال می‌دهد. این واسطه‌ها از دوران مشروطه بیشتر و بیشتر می‌شوند و می‌توان گفت این منابع از مردم و از پادشاهان ناراضی‌اند. اینها در منگنه‌ای قرار دارند و نیاز به بدنه‌ای اجتماعی از مردم دارند و می‌بایست از ریشه‌های خود تغذیه کنند. در این بین حکومت در میان است که می‌گوید مردم مال ما است. روشنفکر اعتقاد دارد حال که مفهوم عدالت و برابری مطرح است مردم می‌بایست با آموزه‌های ما آشنا و آگاه شوند و در این زمان روشنفکر بر علیه دولت و در مقابل اوست.

این روشنفکران از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۷ به کابینه رضاشاه می‌پیوندند و روشنفکران کابینه دولت می‌شوند. یکی از این روشنفکران فروغی است که می‌گفت: زور شاه را باید گرفت و ایده‌های اصلاح اجتماعی به عهده‌ی روشنفکران باشد؛ در واقع نوعی دیکتاتوری روشنفکر. از سال ۱۳۱۷ با مخالفت‌های رضا شاه با روشنفکران، مجدداً روشنفکر، فردی تعریف می‌شود بر علیه دولت و حکومت و با تشکیل حزب توده است که در تاریخ‌نگاری ایران به روشنفکرانی که در بدنه‌ی دولت هستند نمی‌پردازیم؛ و رفته رفته آن‌ها مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرند. دستاوردهای این افراد در حوزه‌ی آموزش عمومی و آشنا کردن مردم با ادبیات مدرن و رمان‌ها و آشنایی مردم با تمامی این‌ها به عنوان سرگرمی آموزنده بوده است.

●●● لطفا برای ما توضیح بدهید خروس

جنگی از کجا آمده و در رابطه با جام

جم و نشریات آن زمان چه چیزهایی

هست که توجه به آن‌ها ضروری است؟

خروس جنگی خلاف ذوق عامه بوده و بیشتر شناخته شده است. خروس جنگی پروژه‌ی مبهمی در ایران است و می‌شود از زوایای مختلفی به آن نگاه کرد و زاویه‌ی مهم برای من این است که هر اندیشه‌ای سویی محرمانه دارد. شاید بتوان گفت خروس جنگی وام‌دار مفهوم امر نو نیما است. در واقع دغدغه‌ی نیما این است که چه چیزی را می‌توان امر نو نام نهاد. خروس جنگی قسمتی جنگنده دارد که نو تعبیر می‌شود و سوال اینجاست که از فکر نیما چگونه محصول سطح پایینی مانند خروس جنگی باقی می‌ماند؟

جام جم افکار ملی گرایانه دارد و این موضوع برمی‌گردد به شخص «داریوش همایون». این فرد چکیده‌ی زندگی روشنفکری در تاریخ ایران است. کسی که مدام به مردم فکر می‌کند ولی زور دولت را ندارد. پس جام جم از دو نظر اهمیت دارد: داریوش همایون و دیگری نقش گفتار ایدئولوژیک آن دوران.

●●● آیا مایل هستید در رابطه با انجمن

سقاخانه و جشن هنر شیراز و فرح دیبا

صحبت کنید؟

مارک بلوخ در آخرین کتابش در رابطه با روبسپیر می‌نویسد: موافقان روبسپیر و مخالفان روبسپیر؛ شما را به خدا به ما بگویید روبسپیر چه کسی بود؟ ما هم باید بگوییم مخالفان و موافقان پهلوی؛ شما

را به خدا به ما بگویید عصر پهلوی چه چیزی بود؟ همگی بعد از دوران پهلوی بوده‌ایم و از طریق واسطه اطلاعاتی بدست آورده‌ایم. این واسطه‌ها یکسری روشنفکر و هنرمند بوده‌اند و آن دوران را به ما منتقل کردند؛ تجربه تاریخ شفاهی به من آموخت که مصاحبه‌هایی که در دهه ۸۰ در رابطه با اوضاع فرهنگی قبل انقلاب انجام شده است چقدر تحت تاثیر انقلاب است و همگی یک حرف و سخن رو الگوبرداری می‌کنند. ایرادی که همگی از کتاب من گرفتند این بود که چرا نتیجه‌گیری کلی نشده است و من تمام مدت می‌خواستم در نظر بگیرم سیاست فرهنگی دوره‌ی رضا شاه امتداد پیدا کرده است.

جمله‌ای می‌خواهم بگویم که بسیار مناقشه‌پذیر است: به نظر می‌رسد فرح دیبا و رضاشاه پهلوی در رابطه با هنر یک برخورد را داشتند. رضاشاه آموزش عمومی و تمام فرصت‌ها را به روشنفکران داد و در واقع هیچ چیزی از هنر نمی‌دانست و فرح دیبا هم همین برخورد و رویکرد را داشت.

اگر سیر تحول فرح را در نظر بگیرید می‌بینید که در سالهای اول ازدواج تصویری همانند میس ورد به نمایش گذاشته می‌شود در واقع زنی که می‌تواند مدرن باشد. زنی که مسلط به زبانی غیر از زبان مادریست، ورزش می‌کند و می‌تواند یک خانواده را اداره کند. از سال ۴۶ به بعد عنوان شهبانوی هنرپرور مطرح می‌شود و سعی می‌کند تاثیر گذار باشد. اما خود نمی‌تواند تاثیر گذار باشد پس چه می‌کند؟ یک فضای نسبتاً باز و نه به معنای سیاسی و با حاشیه‌ای امن ایجاد می‌کند و با ثروتش می‌تواند

پروژه‌هایی را رو به جلو ببرد. نزدیک کردن هنر به مردم از انگیزه‌های اصلی جشن هنر شیراز و انجمن است و این پروژه‌های است که از مشروطه آغاز گشته و هنر مشروطه در طول زمان متغیر است.

... خوشحال می‌شویم در رابطه با هنر بعد از انقلاب سخن بگویید.

راستش را بخواهید در رابطه با هنر بعد از انقلاب تحقیق جدی نکرده‌ام و این بنا به دلایل شخصی است. این دورانی است که من در آن زندگی کرده‌ام و نیاز به فاصله‌ای با این تاریخ دارم و نتوانسته‌ام مطالعه‌ی خوبی داشته باشم. دوره‌ی بعد از انقلاب پیچیده و حساس است و چه بسا هنرمندانی که کتابی نوشته‌اند و اثری خلق کرده‌اند، نه قبل از آن و نه بعد از آن دست به چنین کاری زده نشده است. گویی هنرمند در لحظه متولد شده و برای همیشه صحنه را ترک کرده است.

... در رابطه با هنر دیوارنگاری چه نظری دارید؟

موضوع دیوارنگاری موضوع بسیار جالبی است و اتفاقاً جاسم فروزان‌پور کتابی تحت عنوان «شاهدان شهر» را منتشر کرده و چند فریم عکس مهم در این کتاب موجود است که حاصل عکاسی از دیوارنگاره از نما و فاصله‌ای دور است. این دیوارنگاره‌ها گویی از فاصله‌ی دور و نزدیک متفاوت هستند. از نمایی دور همانند غریبه‌ای در شهر هستند و موضوعی نقادانه دارند. تغییر مدام نقاشی‌ها به ما نشان می‌دهد نگاه‌ها تغییر می‌کنند و سیال هستند. این سیاست‌گذاری‌ها بسیار مهم هستند مثلاً در انقلاب فرانسه ممکن

است با دو دیدگاه مواجه باشیم ولی بعد از انقلاب هزاران دیدگاه مد نظر است.

(برای دسترسی رایگان به فایل کامل نشست با یکی از راه‌های تماس انجمن علمی مطالعات هنر مکاتبه نمایید.)

در مصاحبه و گفت‌وگویی که با آقای قلی‌پور صورت گرفت و در نشستی که گذر زمان را احساس نمی‌کردیم حس پنهان و ناشناخته‌ی هنر مردمی در من بیدار شد و با نگاهی آگاه‌تر به پیرامون خویش نگاه کردم. در این گفت‌وگو به صورت مختصری در رابطه با هنر مردم روستایی و هنر تزیین مکان‌های عمومی در مراسمات ملی سخن گفتیم و ایشان در پاسخ به سوالات ما فرمودند که هر کشور و فرهنگی برای رسیدن به تزیین مکان‌های عمومی تاریخی را می‌گذراند و عموماً در ذهن ما تصاویر کارت پستالی به جا مانده است. امیدوارم بتوانم آنقدر زنده بمانم که هنر تزیینی پویای مردمی را در کشورم ببینم چیزی فراتر از هر آن چیزی که در حال حاضر دیده‌ایم. هنر عامه، من را از فضای سرد گالری به سرزمین گرم و تابان زندگی کشانده است. ما هرکدام در وجودمان هنرمندی خلاق را پنهان نموده‌ایم و ای کاش روزی این هنرمندان پنهان دنیای رنگی و زیباتری را برایمان به تصویر بکشند.

۱۴۰۰/۳/۲۳